

اختلاف تلفظ در زبان فارسی (به ویژه در نخستین هجای واژه‌ها)

* عبدالامیر چناری

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

امروزه مردم ساکن تهران بسیاری از واژه‌ها را در گفت و گوی رسمی، متفاوت از یکدیگر تلفظ می‌کنند. از سوی دیگر، مجریان برنامه‌های صدا و سیما برخی واژه‌ها را متفاوت از مردم تلفظ می‌کنند و این شبیه را پدید می‌آورد که تلفظ اغلب یا همه مردم نادرست یا عامیانه است. در موارد متعدد، فرهنگ‌های لغت نیز تلفظ مردم را ضبط نکرده‌اند؛ بلکه تلفظ قدیمی واژه یا تلفظ اصلی آن در زبان مبدأ را ثبت کرده‌اند. پژوهش حاضر، با هدف تدوین چگونگی یکی از انواع اختلاف تلفظ در فارسی امروز و مشخص کردن علل پیدایش آن صورت پذیرفته است. در این پژوهش 52 واژه که گمان می‌رفته چند گونه تلفظ دارند (مصوت هجای اولشان گاهی a بوده است و گاهی e)، انتخاب و در یک متن گنجانده شده است. سپس از 1460 ساکن تهران، تلفظ متن و واژه‌های موردنظر به دست آمده است. مقاله حاضر با استفاده از تحقیق میدانی، واژه‌های دارای اختلاف تلفظ را در پنج گروه تقسیم‌بندی می‌کند و به تحلیل هر یک از آن‌ها می‌پردازد. همچنین دلایل ضعف روش فرهنگ‌های لغت فارسی در ثبت تلفظ واژه‌ها بررسی می‌شود و علل اختلاف تلفظ در آن‌ها مورد بحث ذکر می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، لهجه تهرانی، واژگان دخیل، وام‌واژه، فرهنگ‌نویسی، مصوت، تاجیکی

Pronunciation Differences in Persian (with an Emphasis on the First Syllable of Words)

Abdolamir Chenari

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Nowadays, Tehrani citizens pronounce many words in different ways from one another in their formal conversations. On the other hand, TV and Radio programs use different pronunciations from common people. This leads one to ask whether most people or all of them pronounce certain words wrongly or too casually. Also, dictionaries do not include the common people's pronunciation in many fields, while they note previous pronunciations of words or the basic sounds in their original languages. The present research aims to list some pronunciation differences in Modern Persian and find out the reason(s). First, 52 words were selected, which apparently had several pronunciations (the vowel of the first syllables sometimes pronounced as "a" and sometimes as "e"); and then they were incorporated into a single text. Subsequently, 1460 Tehrani citizens were asked to read the text and pronounce the words concerned. The results showed that the words which were pronounced differently needed to be categorized into 5 types. Each type receives a separate analysis in this paper. Moreover, the weakness of Persian dictionaries in collecting different pronunciations and explaining the reasons for such variations is discussed.

Keywords: Persian, Tehrani Accent, Borrowed Words, Loan Words, Lexicography, Vowels, Tajiki

* دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

اختلاف تلفظ سخنگویان در یک جامعه زبانی، پدیده‌ای طبیعی است و در اغلب زبان‌های مشهور جهان (مانند انگلیسی، عربی، چینی و...) دیده می‌شود. در زبان فارسی نیز اختلاف در تلفظ برخی واژه‌ها یا تغییر تدریجی برخی تلفظ‌ها، امری طبیعی و بدیهی است. مثلاً واژه «اجتماع» به صورت اصلی‌اش در زبان عربی به ندرت تلفظ می‌شود و اغلب مردم تلفظ‌های «اژتما»، «اشتما»، «اجتما» و «اجتماء» را به کار می‌برند. با این همه، اختلال در معنی به وجود نمی‌آید و همه این تلفظ‌ها گونه‌های مختلف تلفظ یک واژه شمرده می‌شود. مثال دیگر، تلفظ حرف‌های «ق» و «غ» است. مردم واژگان دارای این حروف را به صورت‌های مختلف تلفظ می‌کنند و اختلاف تلفظ در موارد متعدد به اختلاف در نگارش نیز انجامیده است. مثلاً قوری / غوری، آقا / آغا، قدغن / غدغن.

اما بحث «اختلاف تلفظ واژگان» در مقاله حاضر، با تکیه بر اختلاف تلفظ در نخستین هجای واژگان فارسی است و البته واژگانی در نظر گرفته شده‌اند که در نخستین هجای آن‌ها، گاهی مصوت کوتاه a به کار می‌رود و گاهی مصوت کوتاه e؛ مانند: سَماع / سِماع، حَماسه / حِماسه، پِژوهش / پَژوهش، فِراغت / فِراغت.

در سال‌های اخیر، چند عامل موجب شده است که بحث از اختلاف تلفظ واژگان فارسی اهمیت خاصی یابد:

1 - گسترش صدا و سیما و تولیدات آن. به طوری که از دو سه شبکه در 25 سال پیش، اکنون چندین شبکه ملی، استانی و بین‌المللی در ایران فعالیت می‌کنند. گویندگان و مجریان تلویزیون گاهی با این مسأله که واژه‌ها را چگونه تلفظ کنند، مواجه می‌شوند. مثلاً به آن‌ها امر می‌شود که باید برخلاف اغلب مردم «پژوهش» را به کسر اول و «فساد» و «عدالت» را به فتح اول تلفظ کنند. حال که این مسأله برای رسانه‌ای که دست کم 70 میلیون نفر را پوشش می‌دهد مطرح است؛ چرا نباید پاسخی علمی و مستدل به آن داده شود؟ در مقاله حاضر به این مسأله توجه شده است که آیا همه مردم «غلط» یا «عامیانه» تلفظ می‌کنند؟

2 - شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی فارسی زبان خارج از کشور که برای ایرانیان برنامه پخش می‌کنند. اینان هم به نوبه خود بر ذهن و زبان مخاطبانشان تأثیر می‌گذارند.

3 - لزوم هماهنگی در سیستم آموزش و پرورش. وقتی معلمی به دانش آموز خود می گوید از روی کتاب فارسی بخوان و بعد به او نمره می دهد، گاهی ممکن است اختلاف تلفظها موجب شود که قرائت فارسی او را غیررسمی و نادرست بشمارد، بر او خرده بگیرد، یا از نمره او کم کند. به راستی، چه معیار و مرجعی در این زمینه هست؟ آیا معلم خود درباره آن واژهها تحقیق کرده است؟ و آیا مرجعی برای تحقیق و اظهارنظر قاطع در این زمینه هست؟

4 - آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانها. در دو دهه اخیر، اهتمام به آموزش زبان فارسی در سطح جهانی روبه گسترش بوده است. استادان و متخصصان متعدد، چه در داخل و چه در خارج، در این زمینه در حال فعالیت هستند. کتابهای متعددی نیز در این موضوع تألیف شده است. کدام تلفظها باید به غیرفارسی زبانها آموزش داده شود؟ تلفظ مطابق فرهنگ لغت یا تلفظ رایج؟ در صورتی که تلفظ رایج ملاک باشد، باز هم مسأله این است که تلفظ رایج را باید با پژوهشهای میدانی مشخص کرد، نه صرف سلیقه نویسنده. به علاوه، هنگامی که دو تلفظ مختلف رایج است، باید این امر (حداقل در کتابهای سطح پیشرفته) برای آنها توضیح داده شود.

در همه رسانهها و سطوح مذکور، آیا باید عدالت (به فتح اول) چنانکه در صدا و سیما تلفظ می شود، تلفظ رسمی شمرده شود، یا عدالت (به کسر اول) چنانکه عموم مردم تلفظ می کنند؟ همچنین ترکیب / ترکیب، کثرت / کثرت، فساد / فساد و واژههای بسیار دیگر که موضوع مقاله حاضر هستند.

به گمان نگارنده، این بحث آن گونه که شایسته آن بوده، مورد توجه محققان قرار نگرفته است. نه در منابع مکتوب در این زمینه بحثی روشمند و دقیق یافت می شود، نه در صدا و سیما روش واحدی به کار می رود. کتب لغت نیز در این زمینه به طور کافی و وافیه حلال مشکل نیستند؛ چنانکه به این موضوع خواهیم پرداخت. در نوشتار حاضر می کوشیم این بحث را تا حد امکان به صورت علمی و با استفاده از اصول و روشهای زبان شناختی و نیز باتوجه به «اهداف کاربردی» آن دنبال کنیم.

مسأله پژوهش

اختلاف تلفظ در نخستین هجای واژههای فارسی در چه گروهی از واژهها دیده می شود و به چه علت یا عللی پدید آمده است؟

سؤال‌های پژوهش

اگر بخواهیم پاسخی قانع‌کننده برای مسأله مذکور بیابیم، نخست باید به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم:

- 1 - آیا اختلاف تلفظ، بیشتر در واژه‌های بیگانه دخیل در فارسی (وام‌واژه‌ها) روی می‌دهد، یا در واژه‌های اصیل فارسی؟
- 2 - اختلاف تلفظ در هجای آغازین واژه‌های فارسی، در چه گروه‌هایی از واژگان صورت می‌پذیرد؟ (آیا به طور نسبی، می‌توان به سراغ واژه‌های مشخصی رفت؟)
- 3 - آیا می‌توان درباره هر واژه، با مراجعه به فرهنگ‌های لغت، قاطعانه یک صورت را درست و صورت دیگر را نادرست دانست؟ آیا فرهنگ‌های لغت در ضبط تلفظ واژگان مورد بحث، درست و دقیق عمل کرده‌اند؟
- 4 - آیا بهره‌گیری از پژوهش‌های میدانی در تدوین تلفظ واژه‌ها در فرهنگ‌های لغات و منابع آموزش زبان فارسی ضرورت دارد؟
- 5 - به چه علت یا عللی اختلاف تلفظ در چنین واژه‌هایی پدید می‌آید؟

پیشینه تحقیق

نگارنده پس از گردآوری منابع مکتوب چاپی و جست و جوی اینترنتی، مقاله یا نوشتاری در موضوع مقاله حاضر نیافتیم. البته در مقاله‌های متعدد به مشکل خط فارسی در نداشتن نشانه‌هایی برای مصوت کوتاه اشاره شده است که چون امری بدیهی است، ذکر منابع لزومی ندارد. مسأله لهجه‌ها و اختلاف تلفظ‌ها نیز یک مسأله زبان‌شناختی است که در مقالات و کتب متعدد (فارسی و انگلیسی) به آن اشاره شده است. این مطلب هم یک امر بدیهی و پذیرفته شده است. اما چنان‌که گفته شد، مقاله یا نوشتاری در خصوص اختلاف تلفظ در نخستین هجای واژگان فارسی نیافتیم.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شده است. منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در جای خود ذکر خواهد شد.

پس از برخورد با واژه‌هایی که چندگونه تلفظ می‌شوند، با تأمل در نحوه تلفظ مردم و نیز برنامه‌های مختلف صدا و سیما (به ویژه فیلم‌ها، گفت و گوها، برنامه‌های زنده)، فهرستی از واژه‌هایی که در فارسی به گونه‌های مختلف تلفظ می‌شوند، گردآوری شد. با دقت در این واژه‌ها، در تعداد فراوانی از آن‌ها اختلاف تلفظ در نخستین هجای واژه ملاحظه شد. پژوهش روی این موضوع متمرکز شد؛ یعنی «اختلاف تلفظ فارسی زبانان در مصوت کوتاه هجای اول واژه‌ها». البته اختلاف تلفظ بیشتر میان مصوت‌های a و e بود که همین را در نظر گرفتیم. مثلاً واژه‌های نمایش (به فتح یا کسر اول) و کثرت (به فتح یا کسر اول).

به این ترتیب، پس از مدتی جست و جو، حدود 100 واژه به دست آمد. 52 واژه انتخاب و در یک متن گنجانده شد. متن تایپ شد و به طور جداگانه از 1460 نفر از ساکنان تهران خواسته شد که آن را بخوانند. همزمان، صدای آنان نیز ضبط می‌شد که نوارهای آن موجود است. البته موضوع تحقیق پیش از خواندن متن به آنان گفته نمی‌شد، تا به این نکته توجه خاص نداشته باشند که مثلاً باید سماع (به فتح اول) تلفظ کنند، یا سماع (به کسر اول).

پس از ضبط تلفظ هر فرد، یک فهرست حاوی 52 واژه مورد نظر، برای تلفظ‌های او پر می‌شد؛ یعنی تلفظ‌های او از واژگان مورد نظر در یک فهرست که به تعداد 1460 نسخه تکثیر شده بود، وارد می‌شد. به این ترتیب، با مقایسه برگه‌های مورد نظر مثلاً معلوم می‌شد که چند نفر «رسانه» را به فتح راء تلفظ کرده‌اند و چند نفر به کسر راء. در مرحله بعد، اطلاعات همه برگه‌ها در یک برگه وارد شد و درصد تلفظ مصوت a و مصوت e در نخستین هجای هر واژه مشخص شد.

سپس اطلاعات به دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی، تجزیه و تحلیل شد؛ و سرانجام تلاش شد پاسخ‌هایی برای پرسش‌های مطرح شده در آغاز مقاله یافت شود.

متن مورد آزمایش

از اوقات فراغت خود استفاده کنیم، تا دچار کسالت نشویم. حماسه فردوسی رشادت ایرانیان را در طول تاریخ نمایش می‌دهد. مهربانی با رفیق، لازمه رفاقت است. عدالت بالاتر از سخاوت است. رسانه‌های جمعی گرایش کمی به پژوهش دارند. آیت‌الله سیستانی زعامت شیعیان

عراق را برعهده دارد. این کتاب نمایه ندارد. شریک من یک قران به من نداد، ولی من او را شماتت نکردم، بلکه از او شفاعت هم کردم. کثرت نهادهای موازی، زمینه فساد را به وجود می‌آورد. رئیس ما گفت: به مطالب شفاهی تکیه نکنید. مهریه سنگین موجب استحکام خانواده نمی‌شود. بسیاری از سگته‌ها در اثر فقر و فلاکت است. به عیادت دوستم رفتم. شهادت برترین معراج عشق است. تریاک، ثروت‌های کشور را به باد می‌دهد. هرکسی از آن مصرف کند، حماقت کرده است. قرابت با معتادان نیز موجب گناه و وبال خواهد بود. زمین کربلا نماد مقاومت و ایستادگی است. با فراغ خاطر حرف‌های مرا شنید. یکبار به بغض او ترکیب بعضی از صوفیان به رقص و سماع می‌پرداختند. خساست را از خود دور کن. جهاد در راه خدا هنر مردان بزرگ است. زکات یک امر شرعی و دارای قداست است. انسانی که ذکاوت دارد، مهربانی می‌کند، نه عداوت. عطر صمیمیت فضای دانشگاه را پر کرده بود. فراست داشته باشید. نزاکت را رعایت کنید.

واژه‌های مورد آزمایش و چگونگی تلفظ آن‌ها

در زیر، جدول واژه‌های مورد نظر در متن بالا، تلفظ نخستین مصوت آن‌ها مطابق فرهنگ‌های لغت، تعداد به‌کار رفتن مصوت a در هجای نخست (از میان 1460 نفر)، تعداد به‌کار رفتن مصوت e در هجای نخست، درصد تلفظ a؛ و سرانجام درصد تلفظ e (در میان 1460 نفر) آمده است.

یادآوری 1- نام فرهنگ‌های لغت که مورد استفاده بوده‌اند، در فهرست منابع و مأخذ آمده است. فرهنگ‌های مورد استفاده برای لغاتی که ریشه فارسی دارد، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی دکتر معین بوده است و برای لغات دخیل از زبان عربی، علاوه بر دو فرهنگ مذکور، به فرهنگ‌های عربی لسان العرب، القاموس، تاج العروس، تاج اللغه و مقاییس اللغه (رجوع شود به فهرست منابع) نیز مراجعه کرده‌ایم.

یادآوری 2- بدیهی است که در جلو هر واژه ذکر پنج شش مأخذ که همگی فرهنگ لغت‌اند، اگر هم امکان‌پذیر باشد، سودمند نیست؛ زیرا همه این فرهنگ‌ها به ترتیب الفبایی تنظیم شده‌اند و خواننده می‌تواند به سادگی واژه موردنظر خود را در هر یک از این فرهنگ‌ها بیابد. فقط در مواردی که اختلافی میان فرهنگ‌ها بوده، توضیح داده شده است.

جدول شماره 1 - واژگان مورد بررسی و تلفظ‌های آن‌ها

ردیف	واژه	نخستین مصوت در فرهنگ لغت	تعداد a در هجای نخست	تعداد e در هجای نخست	درصد تلفظ a	درصد تلفظ e
1	فراغت	a	739	667	54/32	45/68
2	کسالت	a	77	1383	5/27	94/73
3	حماسه	a	757	703	51/85	48/15
4	رشادت	a	81	1379	5/55	94/45
5	نمایش	o/a	1352	108	92/61	7/39
6	رفیق	a	1114	346	76/31	23/69
7	رفاقت	e	44	1416	3/02	96/98
8	عدالت	a	80	1380	5/48	94/52
9	سخاوت	a	119	1341	8/16	91/84
10	رسانه	e	343	1117	23/50	76/50
11	پژوهش	e	1381	79	94/59	5/41
12	گرایش	e	144	1316	9/87	90/13
13	زعامت	a	289	1171	19/80	80/20
14	نمایه	a	1338	122	91/65	8/35
15	شریک	a	1152	308	78/91	21/09
16	قران	e	294	1166	20/14	79/86
17	شماتت	a	285	1175	19/53	80/47
18	شفاعت	a	510	950	34/94	65/06
19	کثرت	a	179	1281	13/27	86/73

ردیف	واژه	نخستین مصوت در فرهنگ لغت	تعداد a در هجای نخست	تعداد e در هجای نخست	درصد تلفظ a	درصد تلفظ e
20	نهاد	e/a	1288	172	88/22	11/78
21	زمینه	a	1365	95	93/50	6/50
22	فساد	a	92	1368	6/30	93/70
23	رئیس	a	930	530	63/70	36/30
24	شفاهی	e	1321	139	90/48	9/52
25	تکیه	a	150	1310	10/28	89/72
26	مهریه	a	206	1254	11/11	88/89
27	سکته	a	150	1310	10/28	89/72
28	فلاکت	a	495	965	33/91	66/09
29	عیادت	e	885	575	60/62	39/38
30	شهادت	a	1437	23	98/43	1/57
31	تریاک	a	686	774	46/99	53/01
32	ثروت	a	89	1371	6/10	93/90
33	کسی	a	1211	249	82/95	17/05
34	حماقت	a	58	1402	3/98	96/02
35	قرابت	a	196	1260	13/70	86/30
36	وبال	a	1258	202	86/17	13/83
37	زمین	a	1347	113	92/27	7/73
38	نماد	a	1307	153	89/52	10/48
39	فراغ	a	870	590	59/59	40/41

ردیف	واژه	نخستین مصوت در فرهنگ لغت	تعداد a در هجای نخست	تعداد e در هجای نخست	درصد تلفظ a	درصد تلفظ e
40	شنید	e	171	1289	11/72	88/28
41	ترکید	a	343	1117	23/50	76/50
42	سماع	a	1261	199	86/37	13/63
43	خساست	a	109	1351	7/47	92/53
44	جهاد	e	1406	54	96/30	3/70
45	زکات	a	1297	163	88/84	11/16
46	قداست	a	59	1401	4/05	95/95
47	ذکاوت	a	187	1273	12/81	87/19
48	عداوت	a	255	1205	17/47	82/53
49	عطر	e	1274	186	87/26	12/74
50	فراست	a	414	1046	28/36	71/64
51	نزاکت	e	47	1413	3/22	96/78
52	رعایت	e	766	694	52/47	47/53

واژه‌های دیگر

اکنون تعدادی از واژه‌های دیگری را که در این بررسی قرار نگرفتند، ذکر می‌کنیم تا دانسته شود که موضوع کلی‌تر است از آنچه درباره این 52 واژه ذکر می‌کنیم: نظارت، حضانت، امارت، اصالت، شرافت، شراکت، وراثت، ضمانت، صداقت، ازاله، اماله، نهال، نهایت، روایت، چشم، عین، حراست، کساد، نزار (لاغر)، خطاب، فراق، عراق، کساء، کسای (شاعر معروف)، بهجت، وفاق، نجات، دمار، نقار (کدورت)، شرارت، شباهت، حماقت، مهار، هلاک، عتاب، سجده، عشا، مکید، جهالت، کرامت، کثیف، ایاب و ذهاب، رغبت، خصلت، خلاف، خلافت، بنا (بدون تشدید)، خطابه.

تجزیه و تحلیل

تحلیل یکم - واژه‌های اصیل و دخیل

در میان 52 واژه مورد بحث، 13 واژه اصیل فارسی مشاهده می‌شود یعنی واژه‌های: نهاد، نماد، زمین، زمینه، شنید، رسانه، نمایش، نمایه، گرایش، پژوهش، ترکید، کسی، تریاک. 3 واژه نیز واژه‌های جعلی (برساخته به شکل قیاسی) ایرانیان به سیاق عربی‌اند: رفاقت، نزاکت، فلاکت. 36 واژه دیگر واژه‌های عربی دخیل در فارسی‌اند.

به عبارت دیگر، 25% از واژه‌هایی که در این فهرست قرار گرفته است، واژه‌های اصیل است و باقی، واژه‌های دخیل از عربی یا برساخته به سیاق عربی. با نگاهی به «واژه‌های دیگر» مذکور در بالا، می‌بینیم که تعداد واژه‌های اصیل فارسی که تلفظشان مورد اختلاف است، از 25 درصد هم کمتر است.

از سوی دیگر، باتوجه به جدول شماره 1، در تلفظ 13 واژه مذکور، معمولاً اختلاف تلفظ به سوی یک تلفظ خاص جهت‌گیری می‌شود، به جز واژه «تریاک» که تقریباً نیمی از افراد آن را به فتح اول و نیم دیگر به کسر اول تلفظ کرده‌اند.

تحلیل دوم - تقسیم‌بندی براساس وزن

بادقت در واژگان بررسی شده، به نظر می‌رسد می‌توانیم آن‌ها را از نظر وزن به چند دسته تقسیم کنیم:

- 1 - واژگان بر وزن فعالیت.
 - 2 - واژگان بر وزن فعال و فعاله (یا آغاز آن بر وزن فعال).
 - 3 - واژگان بر وزن فعلت و فعله.
 - 4 - واژگان بر وزن فعیل و فعيله.
 - 5 - واژه‌هایی که وزن آن‌ها در این فهرست، مکرر نیست.
- یادآوری - این تقسیم‌بندی پیشنهادی باتوجه به تأمل‌های نگارنده در پژوهش حاضر است و باید در آینده تکمیل و تصحیح شود.
- اکنون هریک از دسته‌های واژگانی را باتوجه به آمار و اطلاعات موجود تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

واژگان بر وزن فعالیت

21 واژه از مجموع 52 واژه مورد بررسی در این گروه قرار می‌گیرند؛ یعنی 40 درصد کل واژه‌های بررسی شده، بر این وزن‌اند. اگر به «واژه‌های دیگر» که خارج از بررسی

پژوهش حاضر بوده‌اند نیز بنگریم، می‌بینیم که در میان آن‌ها واژه‌های بر وزن فعالیت فراوان است.

واژه‌های بر وزن فعالیت بر سه دسته‌اند که در جدول شماره 2 توضیح آن را به همراه آمارهای مربوط می‌بینید:

جدول شماره 2 - واژه‌های بر وزن فعالیت و میزان دگرگونی آن‌ها

درصد e در هجای نخست	درصد a در هجای نخست	واژه		
96	4	قداست	1 - واژه‌هایی که a در هجای اول آن‌ها به e تبدیل شده است (مطابق فرهنگ‌های لغت باید a تلفظ شوند)	
96	4	حماقت		
95	5	کسالت		
94/5	5/5	رشادت		
94/5	5/5	عدالت		
92/5	7/5	خساست		
92	8	سخت‌اوت		
87	13	ذکاوت		
86	14	قربانت		
82/5	17/5	عداوت		
80/5	19/5	شمت‌اوت		
80	20	زعامت		
72	28	فراست		
65	35	شفاعت		
46	54	فراغت		
1/5	98/5	شهادت		
52/5	47/5	رعایت		2 - واژه‌هایی که در هجای اول آن‌ها e به a تبدیل شده است (مطابق فرهنگ‌های لغت باید e تلفظ شوند)
60	40	عیادت		
97	3	رفاقت		3 - واژه‌های برساخته ایرانیان به سیاق عربی
97	3	نزاقت		
96	4	فلاکت		

با تأمل در جدول فوق، درمی‌یابیم که در واژه‌های عربی بر وزن فعالت، اغلب مصوت a در هجای نخست به e تبدیل می‌شود. در واژه «فراغت» حدود نیمی از افراد مطابق اصل هجای نخست را با a تلفظ کرده‌اند و نیم دیگر با e. واژه «شهادت» را تقریباً همه مطابق اصل تلفظ کرده‌اند. شاید علت تفاوت آشکار این کلمه با دیگر کلمات، جایگاه خاصی است که این کلمه در فرهنگ ایرانی و شیعی دارد و از زمان قدیم تاکنون روحانیان که تحصیلاتشان به زبان عربی است، برای عامه مردم پیوسته این کلمه را تکرار کرده‌اند.

واژه‌های برساخته ایرانی‌ها به سیاق عربی - که در هیچ فرهنگ لغت عربی یافت نمی‌شود - مطابق همین گرایش به کسره در هجای اول، همواره به کسره تلفظ می‌شود. این گروه شاهد خوبی برای اثبات این مدعاست. افزون بر این واژه‌ها، «خجالت» نیز همیشه به کسر اول تلفظ می‌شود.

اما جالب‌ترین نکته در جدول شماره 2، دسته دوم است: واژه‌های «رعایت» و «عیادت» که تلفظ آن‌ها در اصل به کسر اول است، در کاربرد ایرانی‌ها حدود نیمی از افراد آن‌ها را به فتح اول تلفظ می‌کنند! علت این امر، به نظرم «قیاس در مشابهت» است: «عیادت» از نظر وزن شبیه شهادت و سعادت است. پس نیمی از مردم واژه عیادت را به این دو واژه مشهور قیاس کرده‌اند. همچنین واژه «رعایت» با واژه‌هایی مثل «نهایت» که به فتح اول تلفظ می‌شوند، قیاس شده است. این قیاس که می‌گوییم جمعی و تاریخی است، نه این‌که هر فردی چنین قیاسی بکند.

نکته دیگر آن‌که چون گرایش کلی در واژه‌های بر وزن فعالت، مکسور کردن حرف اول است، هرگاه حرکت معکوسی صورت گرفته (مثل واژه‌های عیادت و رعایت)، نیمه کاره و ناتمام بوده است.

2- واژگان بر وزن فعال و فعاله (یا آغاز آن بر وزن فعال)

این واژه‌ها بر دو دسته‌اند: واژه‌هایی که گاهی مصوت a در هجای آغازین آن‌ها به e تبدیل می‌شود و آن‌ها که برعکس، گاهی مصوت e در هجای آغازین آن‌ها به a تبدیل می‌شود. این واژه‌ها را در جدول شماره 3 می‌بینید:

جدول شماره 3 - واژه‌های بر وزن فعال و فعاله

درصد e در هجای نخست	درصد a در هجای نخست	واژه	
94	6	فساد	1 - واژه‌هایی که در هجای اول آن‌ها a به e تبدیل شده است (مطابق فرهنگ لغت باید به تلفظ شوند)
48	52	حماسه	
40	60	فراغ	
14	86	وبال	
14	86	سماع	
12	88	نهاد	
11	89	زکات	
10/5	89/5	نماد	
8	92	نماینده	
7	93	نمایش	
4	96	جهاد	2 - واژه‌هایی که در هجای اول آن‌ها e به a تبدیل شده است
9/5	90/5	شفاهی	
86/5	23/5	رسانه	
80	20	قران	
90	10	گرایش	

چنان‌که در جدول شماره 3 مشاهده می‌شود، تقریباً همه مردم «فساد» را به کسر «ف» تلفظ می‌کنند. کلمه «کساد» که در این پژوهش بررسی نشده، نیز چنین است (a به e تبدیل شده). واژه‌های حماسه و فراغ به هر دو صورت (با a و e) تلفظ می‌شوند. سایر واژه‌ها در دسته اول «واژه‌های بر وزن فعال و فعاله» مطابق اصل عربی تلفظ می‌شوند.

در دسته دوم واژه «جهاد» تقریباً به طور کامل تغییر تلفظ یافته است و به فتح اول تلفظ می‌شود. شاید علت آن قیاس در مشابهت با واژه «نهاد» باشد. چنان‌که می‌بینیم، تغییرات تلفظی در پایتخت ایران، همیشه در جهت کاربرد بیشتر کسره نیست. واژه «شفاهی» با کسره «ش» کم به کار می‌رود. «شفاه» جمع «شَفَه» (به معنی لب) واژه‌ای عربی است. مردم اکنون واژه‌های کتبی و شفاهی را بیشتر به کار می‌برند، تا واژه‌های «گفتاری» و «نوشتاری» را. علت آن نیز اصطلاحات «امتحان کتبی و شفاهی» در مدارس است. همچنین است اصطلاحات «ایاب و ذهاب» که برخی اصرار دارند براساس تلفظ درست عربی (مصوت e در هجای نخست هر دو واژه) گفته شود؛ ولی به فتح اول در هر دو واژه تلفظ می‌شود؛ در حالی که اگر از عموم مردم بپرسی «ایاب» یعنی چه؟ دقیقاً نمی‌دانند. اینان به جای تلاش کم‌ثمر در تغییر تلفظ این دو واژه، بهتر است عبارت «رفت و آمد» را به کار ببرند (مثلاً به جای «سرویس ایاب و ذهاب» بنویسند «سرویس رفت و آمد»).

درباره واژه «رسانه»، شاید یک علت تاریخی در تلفظ این واژه تأثیر گذاشته باشد: رسانه به فتح اول، به معنی اندوه و حسرت در لغت‌نامه دهخدا ضبط شده است. بنابراین، احتمال دارد که تلفظ دو واژه که فقط در یک مصوت کوتاه تفاوت دارند، در یکدیگر تأثیر بگذارد؛ به ویژه که هم اکنون واژه «رسانه» (به فتح اول) به معنی اندوه و حسرت به کار نمی‌رود و a یا e ممیز معنا نیست. مثال برای رسانه به معنی اندوه، از ناصر خسرو:

پدرت و برادرت و فرزند و مادر شدستند ناچیز و گشته فسانه
تو پنجاه سال از پس مرگ ایشان فسانه شنیدی و خوردی رسانه

(دهخدا 1385)

گفتنی است که در لغت‌نامه دهخدا «رسانه» به معنی وسیله رسیدن به فتح و کسر اول (هر دو) ضبط شده است. به هر روی، واژه‌های «رسانه» و «قران» دو تلفظی‌اند؛ هرچند یک تلفظ کاربرد بیشتری دارد.

واژه «گرایش» معمولاً با کسر اول به کار می‌رود. به نظر می‌رسد تلفظ به فتح اول، متأثر از لهجه‌های فارسی است.

یک نکته مهم دیگر آن‌که در فرهنگ فارسی معین، «نمایش» به صورت‌های ن و ن^و ضبط شده، حال آن‌که در میان 1460 نفر مورد بررسی، هیچ‌یک این واژه را با مصوت o به کار نبرد. کاربرد مصوت e در هجای نخست این واژه نیز اندک است (حدود 7%).

3 - واژگان بر وزن فعلت و فعله

همهٔ این واژه‌ها، چنان که در جدول شماره 4 می‌بینیم، در اصل به فتح اول تلفظ می‌شده‌اند و اکنون به کسر اول تلفظ می‌شوند:

جدول شماره 4 - واژه‌های بر وزن فعلت و فعله

درصد e در هجای نخست	درصد a در هجای نخست	واژه	واژه‌هایی که در هجای اول آن‌ها a به e تبدیل شده است
94	6	ثروت	
90	10	سکته	
90	10	تکیه	
87	13	کثرت	

واژه‌های بهجت، رخوت و رغبت نیز که در اصل عربی، به فتح اول تلفظ می‌شوند، در فارسی معمولاً به کسر اول تلفظ می‌شوند. بنابراین، آیا فرهنگ‌های لغت باید دربارهٔ این واژه‌ها، همچنان به تلفظ اصل (عربی) وفادار بمانند، یا باید تلفظ فارسی را در ضبط خود اصل قرار دهند و تلفظ عربی را در گروه همراه نشان دادن اصل واژه توضیح دهند؟ به نظر نگارنده همچنان که کسی اصرار ندارد واژه‌های بر وزن «مفاعله» (مانند مکاتبه، مناظره، مبارزه و مشاهده) با دو مصوت a پایان یابد و همه پذیرفته‌اند که این واژه‌ها با دو مصوت e در پایان تلفظ می‌شود؛ دربارهٔ بسیاری از کلمات دیگر نیز که تبدیل مصوت در آن‌ها ممیز معنا نیست (معنا را تغییر نمی‌دهد)، باید این قاعده را پذیرفت که ایرانیان در مواردی تلفظ واژه‌های عربی را تغییر داده‌اند و تغییرات آنان اغلب پذیرفتنی است.

برای رفع یک شبههٔ مقدر نیز یادآوری کنم که منظور، همهٔ واژه‌های بر این وزن در فارسی نیست؛ چنان که واژه‌های شهوت و زحمت، مانند اصل عربی خود، به فتح اول تلفظ می‌شوند و محل بحث نیستند.

4- واژگان بر وزن فعیل و فعيله

در این گروه، واژه‌هایی که به فتح اول ضبط شده‌اند، گاهی نیز به کسر اول تلفظ می‌شوند. به نظر می‌رسد، تلفظ این واژه‌ها به کسر اول، متأثر از لهجه تهرانی باشد. البته در این واژه‌ها، تلفظ رسمی بر تلفظ لهجه تهرانی غلبه یافته است. رسانه‌ها و ترکیب جمعیتی کنونی تهران بر فارسی گفتاری ساکنان تهران تأثیرگذارند؛ همچنان که لهجه تهرانی، تأثیر خود را همچنان نشان می‌دهد (تهران کنونی، شهر مهاجرهای سایر شهرستان‌ها و فرزندان آن‌هاست. نسل ساکنان قدیم تهران در این شهر در اقلیت‌اند).

فعل «شنید» اغلب به کسر اول تلفظ می‌شود؛ اما در موارد اندک نیز به فتح اول شنیده می‌شود که ناشی از تأثیر لهجه‌هاست.

جدول شماره 5- واژه‌های بر وزن فعیل و فعيله

درصد e در هجای نخست	درصد a در هجای نخست	واژه	
36	64	رئیس	
24	76	رفیق	1- واژه‌هایی که a در هجای اول آن‌ها به e تبدیل شده است
21	79	شریک	
8	92	زمین	
6/5	93/5	زمینه	
88	12	شنید	2- واژه‌هایی که e در هجای اول آن‌ها به a تبدیل شده است

5- واژه‌هایی که وزن آن‌ها در این پژوهش مکرر نیست

فهرست این واژه‌ها و چگونگی تلفظ امروزی آن‌ها را در جدول شماره 6 می‌بینید:

جدول شماره 6 - واژه‌هایی که وزن آن‌ها در این پژوهش مکرر نیست

درصد e در هجای نخست	درصد a در هجای نخست	واژه	
86	14	مهریه	1- واژه‌هایی که a در هجای اول آن‌ها به e تبدیل شده است
76/5	23/5	ترکید	
53	47	تریاک	
17	83	کسی	
5	95	پژوهش	2- واژه‌هایی که e در هجای اول آن‌ها به a تبدیل شده است
13	87	عطر	

«مهر» (به فتح اول) واژه‌ای عربی است، معادل کابین در فارسی، یعنی مبلغی که داماد هنگام ازدواج به عروس می‌دهد. «المهرُ يدل على أجرٍ في شيء خاص» (احمدبن فارس 2001: زیر «مهر») و «مهرُ المرأةِ أجرها» (همان). واژه «مهریه» در عربی به این معنی نیست. مهریه در عربی یعنی: 1 - نوعی از گندم که گفته شده سرخ‌رنگ است، 2 - منسوب به قبیله مهره بن‌حیدان (ابن‌منظور 1996: زیر «مهر»). بنابراین، مهریه در فارسی از «مهر» عربی گرفته شده، اما واژه‌ای فارسی است. این واژه در فارسی به کسر اول تلفظ می‌شود. ظاهراً تلفظ مهر (به فتحه) با تلفظ مهر (به کسره) که واژه‌ای فارسی به معنی عشق است، اشتباه شده است. البته در ازدواج عشق و مهربانی هم مطرح است و شاید این نکته به اشتباه عموم کمک کرده باشد! واژه «ترکید» از کلمه «ترک» ساخته شده است، یعنی ترک خوردن. اما برخلاف کلمه ترک، «ترکیدن» معمولاً با مصوت e در هجای نخست و دوم به کار می‌رود در تاجیکی (Tarakidan). به نظر می‌رسد لهجه تهرانی در این مورد غلبه یافته است و البته تلفظ با هر دو مصوت a و e رایج شمرده می‌شود.

واژه «تریاک» در لغت‌نامه دهخدا به هر دو تلفظ a و e در هجای نخست ضبط شده - که مطابق واقعیت است - اما در فرهنگ فارسی معین فقط تلفظ a در هجای یکم ضبط شده است. با توجه به جدول شماره 6 ضبط لغت‌نامه دهخدا دقیق‌تر است.

واژه «کس» (شخص) به فتح اول به کار می‌رود، اما هرگاه «ی» نکره به آن افزوده می‌شود، گاهی با کسر اول نیز تلفظ می‌شود. همچنین در ترکیب «ناکس» گاهی کاف مکسور می‌شود. این ویژگی را نیز باید تأثیر لهجه‌ها شمرد؛ به ویژه لهجه تهرانی که در واژه‌های متعدد گرایش تبدیل مصوت a به e در آن دیده می‌شود.

واژه «پژوهش» را تقریباً همه مردم به فتح «پ» تلفظ می‌کنند. در این بیست سال اخیر که با دانشگاه‌ها و مراکز علمی - پژوهشی ارتباط داشته‌ام، واژه پژوهش را تنها از صدا و سیما به کسر اول شنیده‌ام. افراد اندکی که هنگام خواندن متن مورد آزمایش نگارنده، این متن را به کسر اول خوانده‌اند، به نظرم تحت تأثیر صدا و سیما و اطلاعات ادبی خود، باتوجه به این که از روی متن می‌خوانند و صدایشان ضبط می‌شد، چنین خوانده‌اند. بعید می‌دانم که این افراد در زندگی عادی، پژوهش را به کسر اول تلفظ کنند و مثلاً بگویند: «پژوهش خود را به استادم تحویل دادم».

در برهان قاطع، فرهنگ فارسی دکتر معین و لغت‌نامه دهخدا این واژه به کسر اول ضبط شده است. این واژه در زبان پهلوی نیز به کسر اول تلفظ می‌شده است (تبریزی 1375: زیر «پژوهش»). اما به چند دلیل تلفظ این واژه به فتح اول غلط نیست و باید در فرهنگ‌های لغت ضبط شود:

- 1 - فارسی پهلوی تنها یکی از شاخه‌های فارسی میانه است. هرچند این واژه در فارسی پهلوی به کسر اول تلفظ می‌شده است، معلوم نیست که در شاخه‌های دیگر فارسی میانه و باستان (که همه لهجه‌های آن‌ها هم ثبت نشده) این واژه به صورت رایج تلفظ نشده باشد.
 - 2 - آیا تحولات زبان‌ها و تأثیر لهجه‌ها (که گونه‌های یک زبان‌اند) بخشی از قاعده‌مندی آن زبان نیست؟ به ویژه وقتی بر یک تلفظ اتفاق نظر باشد.
 - 3 - در گویش تاجیکی هم که واژه‌های فراوانی را متفاوت با ایرانی‌ها تلفظ می‌کنند، این واژه مانند ایرانی‌ها به فتح اول تلفظ می‌شود.
- با این توصیفات، بهتر است فرهنگ‌نویسان ضبط این واژه را درست کنند و آن را به فتح اول نیز ضبط کنند (تلفظ به کسر، مربوط به قدیم است و باید توضیح داده شود).
- واژه عربی «عطر» نیز در همه فرهنگ‌های عربی، به کسر عین ضبط شده است؛ ولی در فارسی، چه در ایران و چه در تاجیکستان، به فتح اول تلفظ می‌شود. در فرهنگ فارسی معین هردو تلفظ ضبط شده، ولی در لغت‌نامه دهخدا فقط تلفظ عربی ضبط شده است. مصوت e یا

a در این واژه ممیز معنا نیست و تلفظ به a مشکلی پدید نمی‌آورد. درباره علت تبدیل مصوت، ممکن است با واژه‌های نظیر «سطر» قیاس در مشابهت صورت گرفته باشد.

تحلیل سوم - وفاداری فرهنگ‌های لغت به تلفظ واژه در زبان اصلی

اکنون این مسأله پیش می‌آید که فرهنگ‌های بررسی شده، تا چه حد تلفظ رایج در ایران را منعکس کرده‌اند؟ تا چه حد روشمند عمل کرده‌اند؟ و آیا روش آن‌ها در ذکر تلفظ واژه‌ها نیازمند بازنگری است؟

از میان 52 واژه بررسی شده در جدول شماره 1، 25 واژه همیشه یا اغلب متفاوت با ضبط لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین تلفظ می‌شود (یعنی واژه‌های شماره: 2، 4، 8، 11، 13، 17، 18، 19، 22، 25، 26، 27، 28، 29، 32، 34، 35، 41، 43، 46، 47، 48، 49، 50). علاوه بر این، در خصوص واژه‌های «فراغت، حماسه، نمایش، فراغ و رعایت» (واژه‌های شماره 1، 3، 5، 39 و 52) حدود نیمی از مردم تلفظ متفاوتی دارند که در این دو فرهنگ معتبر به آن اشاره نشده است. در سایر موارد، حق را باید به این دو فرهنگ داد؛ زیرا موظف به درج لهجه‌ها نیستند. مثلاً این که در تهران عده قابل توجهی (حدود 21 تا 36 درصد) رئیس و شریک را با کسر اول تلفظ می‌کنند، مربوط به لهجه تهرانی است و عمومیت ندارد. اما این که تقریباً هیچ کس فساد، خساست و کسالت را به فتح اول تلفظ نمی‌کند، آیا برای فرهنگ‌نویس معیاری برای پذیرش تلفظ کسر اول نیست؟ امروزه، تلفظ این واژه‌ها فراتر از لهجه تهرانی، در «فارسی گفتاری رسمی» تثبیت شده است.

با نگاهی به دو فرهنگ مزبور، می‌بینیم که روش واحدی در این‌گونه موارد اتخاذ نشده است. در خصوص واژه‌هایی نظیر مشاهده، مبارزه و مناظره که از باب «مفاعله» عربی‌اند، دهخدا مصوت دو هجای آخر را e دانسته است. دکتر معین تلفظ به فتح هر دو حرف آخر و کسر هر دو حرف آخر را ضبط کرده است (معین 1380: زیر «مشاهده»). به هر حال در هردو اثر، تلفظ ایرانی این واژه‌ها پذیرفته شده است. اما واژه «تکرار» را هردو به فتح اول نوشته‌اند. نگارنده حتی یک بار این واژه را در تهران به فتح اول نشنیده است؛ حتی از معلم‌ها و استادان دروس عربی خود (آن‌ها که در ایران پرورش یافته‌اند، نه در کشورهای عربی). در این صورت، تلفظ کلمه «تکرار» به فتح اول، مناسب فرهنگ لغات عرب است، نه فرهنگ واژگان فارسی!

گفتنی است که در فرهنگ فارسی معین «قداست» به کسر اول ضبط شده که مطابق تلفظ ایرانی است و درست است (در عربی به فتح اول تلفظ می‌شود). در لغت‌نامه دهخدا این واژه نیامده است.

برای این که خواننده بتواند آزمونی ساده و سریع مرتبط با مقاله حاضر انجام دهد، می‌تواند از ده یا بیست ایرانی بخواهد که این جمله را بخوانند:

● پژوهش‌های تکراری برای او اصالت نداشت و او در این کار دچار کسالت می‌شد.
البته نباید آنان از قصد شما در فتح و کسر حروف باخبر باشند. احتمالاً بسیار نادر خواهد بود که کسی بگوید:

● «پژوهش‌های تکراری برای او اصالت نداشت و او در این کار دچار کسالت می‌شد».
ممکن است خواننده‌ای بگوید تلفظ مردم غلط است و باید تصحیح شود. هرچند این بحث دراز دامن است، به طور مختصر بگوییم:

1 - هر واژه‌ای که از زبانی به زبان دیگر می‌رود، ای بسا تغییر تلفظ می‌یابد (مانند واژه‌های فارسی که به عربی، ترکی یا انگلیسی رفته است؛ یا واژه‌های ترکی و انگلیسی که به فارسی آمده است).

2 - تلفظ عربی برخی واژه‌های مورد بحث، بر زبان ایرانی‌ها سنگین و دشوار است؛ هر چند ممکن است در گذشته چنین تلفظ می‌شده یا برادران و خواهران افغان و تاجیک ما آن گونه تلفظ کنند (در پی چند نمونه ذکر خواهد شد).

3 - لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی دکتر معین که از معتبرترین فرهنگ‌های لغت فارسی‌اند، در موارد متعدد تغییرات تلفظی را پذیرفته‌اند (مثال‌هایی ذکر شد). سخن ما این است که در سایر موارد هم بپذیرند. این امر در آغاز یا پایان واژه تفاوت ماهوی ندارد. تلفظ فارسی زبان گاهی با تلفظ عرب فرق می‌کند و هردو تلفظ باید ضبط شود.

4 - در مواردی که مصوت کوتاه، ممیز معناست، تغییر و تبدیل آن نادرست است؛ مانند: آخبار / إخبار (به فتح یا کسر الف) خَلط / خِلط (به فتح یا کسر خاء) که اگر آن‌ها را به جای هم به کار ببریم، غلط است. هرچند در سخن عموم چنین اشتباه‌هایی رایج است، شایسته است که سخن رسمی و عالمانه (مانند سخنرانی‌ها) از این خطاها به دور باشد.

5 - این که به طور قطع برخی تلفظ‌ها را به این علت که در فرهنگ لغت ضبط نشده، غلط بدانیم، علمی به نظر نمی‌رسد. همان‌طور که واژه‌های چند تلفظی قدیم، در فرهنگ لغت

پذیرفته و ثبت شده، امروز هم این تغییرات صورت گرفته است و باید برای مردم امروز و آینده ثبت شود. چنان که در خصوص واژه «پژوهش» بحث شد.

نتیجه تحلیل سوم آن که روش دو فرهنگ معتبر یاد شده در این خصوص، نیازمند بازنگری است؛ زیرا در موارد متعدد، تلفظ ایرانی‌ها را به دست نمی‌دهد و اگر فرضاً ضبط آن‌ها در کتاب‌های آموزش فارسی به غیر فارسی زبان‌ها ملاک و معیار قرار گیرد، آن‌چه فارسی‌آموز یاد می‌گیرد، در برخورد با ایرانی‌ها نمی‌تواند به کار گیرد؛ زیرا سخن او را نخواهند فهمید! و اگر بفهمند، احساس می‌کنند که او دارد به زبان مردم سده چهارم هجری صحبت می‌کند!

خوشبختانه اغلب کتاب‌های آموزش زبان فارسی، مانند کتاب آموزش زبان فارسی (آزفا) از دکتر ثمره و درس فارسی از دکتر پورنامداریان، روش مورد تأیید در مقاله حاضر را به کار گرفته‌اند. مثلاً تلفظ واژه «ثروتمند» در کتاب اخیر به صورت (Servat-mand) ضبط شده است (پورنامداریان 1386: 438).

یادآوری - تلفظ برخی از واژگان مورد بحث، در گویش تاجیکی (مردم دوشنبه) با تلفظ آن‌ها در فارسی رسمی ایرانی (رایج در تهران) متفاوت است. مثلاً: عدالت (Adālat) سخاوت (Saxāvat)، قداست (Qadāsat)، کسالت (Kasālat)، رفاقت (Rafāqat)، گرایش (Garāyis)، فلاکت (Falākat)، نراکت (Nazākat)، ثروت (Sarvat)، سکتته (Sakta)، تکیه (Takya)، نهاد (Nihad)؛ و تلفظ برخی از واژگان نیز در هجای آغازین یکسان، اما در هجاهای دیگر متفاوت است. مثلاً: مهریه (Mahriya). از این رو ضرورت دارد که در فرهنگ‌های تفصیلی زبان فارسی، گویش‌های اصلی فارسی (فارسی، تاجیکی، دری) درج شود؛ هم تلفظ‌ها و هم واژگان و هم معانی. فرهنگ‌نویسی زمانی باید به این سوی رود که همه امکانات زبان فارسی را گردآوری کند. طبعاً اختلاف تلفظ‌ها نیز در این صورت به تفکیک درج خواهد شد. نگارنده در مقاله‌ای دیگر (چاپ نشده) به این موضوع پرداخته است.

نتیجه گیری

1 - اختلاف در نخستین مصوت واژه‌های فارسی، بیشتر در واژه‌های دخیل (وام‌واژه‌ها) روی می‌دهد و کمتر در واژه‌های اصیل فارسی. وام‌واژه‌هایی که در نخستین مصوت کوتاهشان اختلاف باشد، تا آن‌جا که نگارنده یافته است، همگی عربی‌اند.

2 - برخی از اختلاف تلفظ‌های مورد بحث در این مقاله در واقع اختلاف تلفظ میان مردم نیست؛ بلکه اختلاف میان ضبط فرهنگ‌های لغت و تلفظ مردم است. در این گونه موارد غالباً تلفظ مردم در فرهنگ‌های لغت نادیده گرفته شده است؛ چنان که ضبط تلفظ 25 واژه از 52 واژه مورد بررسی، در فرهنگ‌های لغت متفاوت است با تلفظ مردم.

3 - به نظر می‌رسد واژگانی که در هجای اولشان میان مصوّت a یا e اختلاف تلفظ دارند، اغلب دارای اوزان مشخصی هستند. نگارنده پنج گروه وزنی برای این گونه واژه‌ها یافته است. این نوع دسته‌بندی به فرهنگ‌نویسان و پژوهشگران نوعی قدرت پیش‌بینی و دقت بیشتر می‌دهد.

4 - لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین در زمینه ضبط تلفظ واژه‌های مورد بحث، روشی غیردقیق به کار گرفته‌اند؛ زیرا اغلب تلفظ واژه دخیل در زبان مبدأ را ضبط کرده‌اند، ولی تلفظ رایج در ایران را ضبط نکرده‌اند. در خصوص واژه‌های اصیل فارسی نیز به تلفظ ضبط شده در دیگر فرهنگ‌ها یا تلفظ در فارسی پهلوی نمی‌توان بسنده کرد. در فرهنگ لغت، تلفظ رایج میان عموم باید ذکر شود. فرضاً که فرهنگ‌نویس تلفظی را غلط می‌داند، نظر خود را می‌تواند یادداشت کند؛ چنان که علامه دهخدا و دکتر معین گاهی یادداشت‌هایی زیر لغات نوشته‌اند.

5 - در فرهنگ‌های موجود زبان فارسی، اختلاف تلفظ‌های سه گویش اصلی این زبان (فارسی، تاجیکی، دری¹ درج نشده است. در فرهنگ‌های تفصیلی رعایت این نکته لازم است.

6 - امروزه بهره‌گیری از پژوهش‌های میدانی یکی از ضرورت‌های فرهنگ‌نویسی است. ضروری است، زیرا:

الف - باید راهنمایی واقعی و قابل اطمینان باشد برای صحبت کردن (قرار نیست فقط به کار چند صد نفر استاد ادبیات بیاید).

ب - صدا و سیما و رسانه‌های شنیداری، یا دیداری - شنیداری نیاز دارند که تلفظ امروزین را بدانند و به کار بگیرند.

1 - ایرانی‌ها زبان خود را «فارسی» می‌نامند، تاجیک‌ها آن را «تاجیکی» و افغان‌ها «دری». این سه گویش، شاخه‌های اصلی زبان فارسی شمرده شدند؛ به این علت که بیشتر فارسی زبان‌ها در این سه کشور زندگی می‌کنند. البته گویش‌های زبان فارسی بسیار بیش از این‌هاست و در هریک از کشورهای مذکور نیز گویش‌های فارسی فراوانی هست. این نکته بدیهی است و موضوع بحث ما نیست.

پ - برای فارسی‌آموزان غیر فارسی‌زبان، آگاهی از تلفظ رایج امروزی مهم است.
ت - به پژوهش‌های زبان‌شناسی تاریخی و تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی کمک می‌کند.

6 - اختلاف تلفظ در واژه‌های مورد بحث (اختلاف تلفظ میان مردم، یا میان مردم و فرهنگ‌های لغت)، عللی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف - قیاس در مشابهت وزنی. مشابهت ممکن است فقط در وزن باشد، یا در وزن و حروف. مانند قیاس «اصالت» به اشارت، انابت، اسارت و مانند این‌ها.

ب - اشتباه شدن تلفظ دو واژه که در نگارش یکسان‌اند و فقط در یک مصوت کوتاه فرق دارند؛ مانند: «مهریه» (به کسر میم) که در آن مَهر (عربی) و مهر (فارسی) اشتباه شده است.

پ - وجود چند تلفظ درست؛ مانند: تَریاک و تِریاک.

ت - لهجه‌های گوناگون، به ویژه لهجه تهرانی در تلفظ کنونی پایتخت‌نشینان تأثیر گذارند. مانند: رئیس، شریک، کثیف (همگی به کسر اول) که در کنار تلفظ اصلی (به فتح اول) شنیده می‌شود.

ث - رسانه‌های گروهی، به ویژه صدا و سیما، در شیوه تلفظ مردم تأثیر گذارند.

منابع

- ابن منظور. 1996. *لسان‌العرب*. بیروت: داراحیاء تراث العربی.
- احمدبن فارس. 2001. *مقایس اللغه*. بیروت: داراحیاء تراث العربی.
- پورنامداریان، تقی. 1386. *درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- پی‌سیکوف، لازار ساموئیلوویچ. *لهجه تهرانی*. تهران: انتشارات فرهنگستان ادب فارسی.
- تبریزی، محمدبن خلف. 1375. *برهان قاطع*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ثمره، یدالله. 1993. *آموزش زبان فارسی (ازفا)*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. بی‌تا. *تاج اللغه و صحاح العربیه*. تحقیق احمد عبدالغفور. مصر: دارالکتاب العربی.

دهخدا، علی اکبر. 1385. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 الزبیدی، محمد مرتضی. 1394. تاج العروس من الجواهر القاموس. مصر: دار الهدایه.
 فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. 1988. القاموس المحيط. بیروت: دار الفکر.
 معین، محمد. 1380. فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

